

در سبزی

در سبزی



حمیده رضایی

کتابخانه
موسسه پژوهش و نشر

می‌نشستم و ساعت‌ها به جای خالی رد انگشتانش روی قرآن طاقچه خیره می‌شدم. فکر می‌کردم به او، به روز آمدنش همیشه میان ذهنم به یک جوان زیبا و بلند قامت با یک جفت چشم سبز فکر می‌کردم، به دو دست قوی او که وقتی مرا در آغوش بگیرد، میان بازوهایش گم خواهم شد؛ درست مثال یک بره گوسفند وقتی چوپان او را در آغوش بگیرد؛ اما او که آمد دستی نداشت تا در آغوشم بگیرد، و نه چشمی که خیره در سبزی چشمانش کند مرا!

خبر آمدنش که رسیده بود، مادر از حال رفته بود و خواهر جیغ کشیده بود از شادی و پدر کوچه را تا انتها چراغان کرده بود و من همین‌طور مات و میهوت نگاه کرده بودم به آمدنش.

او آمد؛ دستی نداشت تا در آغوشش بگیرد، و نه چشمی تا ببیند خنده‌های خواهر و اشک شوق مادر را، و پدر که با آن قد خمیده انگار چارچوب در قابش کرده بود.

او آمد و من دیدم آسمان پیش پایش سبز است، شهر در آغوشش گرفته بود، و مادر دوباره بعد از آن همه سال خندیده بود، در سبزی چشماش خندیده بود.



از او تنها یک قاب عکس دیده بودم و کتاب‌هایی که انگار بی‌آن که دیده باشمش عطر او را می‌داد؛ عطر دست‌هایش که لمس نکرده بودم، عطر خنده‌هایش که ندیده بودم، عطر صدایش که نشنیده بودم، و عطر سبزی چشم‌هایش که همیشه و همه جا با من بود؛ بی‌آن که دیده باشمش، آن موقع از چیزی سردر نمی‌آوردم؛ نه از اشک‌های مادر، نه از بغض‌های پنهانی پدر و نه حتی از های‌های گریه خواهر که امان همه را بریده بود. بزرگ‌تر که شدم، فهمیدم خانه بی‌او چقدر سوت و کور است؛ فهمیدم آهنگ تلاوت قرآنش در خانه چقدر خالی است. فهمیدم قامت پدر بی‌او چقدر خم شده و مادر، چشم‌هایش چقدر بی‌سو. خواهر هوای مهربانی او را کرده بود، هوای قصه‌هایش و کم‌کم من نیز دلم هوایش را کرد. بی‌آن که هیچ خاطره‌ای از او داشته باشم. یک‌باره انگار تمام این سال‌ها را با من بود، با من به مدرسه آمده بود؛ با من درس خوانده بود، با من شیطنت کرده بود.

به عبارت دیگر، یک دوره کامل درس سالم‌زیستن است، همواره مورد توجه اندیشمندان و محققان نهج‌البلاغه بوده است، که با کتاب‌ها و مقالات مختلف به تبیین و توضیح نکات بسیار مهم این نامه ارزشمند امام علیه‌السلام پرداخته‌اند. کتاب «مهربان‌ترین نامه» که به قلم نویسنده محترم جناب آقای سید علام‌الدین موسوی اصفهانی به رشته تحریر درآمده، به شرح و توضیح نامه سی و یکم نهج‌البلاغه، نامه امیرمؤمنان علیه‌السلام به فرزندش امام حسین علیه‌السلام، در قالبی بسیار ساده و روان اختصاص یافته است. در این نوشتار، نویسنده پس از ذکر قسمتی از نامه و ترجمه آن به توضیح مهم‌ترین مفاهیم نامه، با تکیه بر آیات و روایات پرداخته است. البته در لابه‌لای بحث‌ها از شعرهای حکمت‌بار و نیز داستان‌های جذاب، که عمدتاً از حیات نورانی اهل بیت علیه‌السلام و یا تاریخ اسلام نشأت گرفته، برای توضیح بیش‌تر، بهره جسته است. در پایان هر فصل نیز آموزه‌های اخلاقی آن فصل را به‌صورت خلاصه برای خوانندگان بیان می‌نماید. این اثر ارزشمند توسط موسسه جهانی سبطین در هزار نسخه در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است.



و داشته که نتیجه آن، کتاب‌های فراوانی است که در زمینه تفسیر نهج‌البلاغه برجای مانده است. در این میان، نامه سی و یکم نهج‌البلاغه که شامل بحث‌های اخلاقی، تربیتی، تاریخی، اعتقادی، علمی و سیاسی و

کتابخانه دیدار

مهربان‌ترین نامه

درنگی کوتاه در نامه سی و یکم نهج‌البلاغه

حمزه کریم‌خانی

نهج‌البلاغه صدف مرواریدهای حکمت و گنجینه یاقوت‌های سخن است. مواعظی که در طی خطبه‌ها و نامه‌های آن دیده می‌شود، دل‌ها را به سوی خود می‌کشد و کلمات قصار آن، ضامن سعادت دنیا و آخرت است که جویندگان حقایق را به گمشده خویش راهنمایی می‌کند.

آری! عظمت بی‌کران این دریای علوم و معارف، هر انسان سعادت‌طلب را شگفت‌زده و متحیر می‌سازد و بی‌اختیار او را به ستایش آفریننده آن وامی‌دارد. زوایای مختلف سخنان امیرمؤمنان علی علیه‌السلام دانشمندان مختلف را از قرون گذشته تاکنون به تلاش برای تفسیر، تبیین و کشف رموز این اثر شگفت